

نویسندگان:

بیژن رضاوندی

علی اکرامی

صمد اسکندری

هادی شبانی

سامان نجاتی

ابراهیم خدابنده

نشریه انجمن نجات

زمستان ۱۴۰۳





عنوان

فهرست مطالب

صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....	سخن سردبیر	۳
.....	خبرهای زمستان ۱۴۰۳ انجمن نجات	۷
.....	زمستان در تاریخ مجاهدین خلق	۱۲
.....	ضرورت بررسی موضوعات حقوقی	۱۵
.....	مسعود رجوی بیمار روانی یا مجرم روانی	۱۹
.....	فرقه آگوری بدترین فرقه مذهبی دنیا	۲۱
.....	محبت	۲۲
.....	واژه ها و اصطلاحات فرقه رجوی	۲۵
.....	یاد اولین جشن نوروز بعد از آزادی گرامی باد	۲۶
.....	The Family مستند سریال	۲۹
.....	بیچاره من	۳۱



سخن سردبیر

با سلام و عرض ارادت خدمت خوانندگان نشریه انجمن نجات

نشریه نجات حاوی گزارش ها، اخبار، و فعالیت های مربوط به انجمن نجات در فصل زمستان سال ۱۴۰۳ پیش روی شماست. جا دارد ابتدا حلول ماه مبارک رمضان و همچنین فرا رسیدن سال نو را به عموم خانواده ها و خوانندگان نشریه نجات تبریک گفته و برای همگی مغفرت و سعادت از درگاه باری تعالی مسئلت کرده و آرزوی بهروزی و شادکامی نماییم.

سالی که گذشت، و خصوصا فصل زمستان، حاوی وقایع و اتفاقات بسیار خوبی بود که ما را بیش از پیش امیدوار به رسیدن به هدف نهایی یعنی ارتباط با عزیزان گرفتار در اردوگاه مانز نمود. اردوگاهی که نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از فرزندان ما بدون ارتباط با دنیای خارج در آن گرفتار هستند.

در زیر شمه ای از این وقایع و فعالیت ها به عنوان نمونه در داخل و خارج از ایران به ترتیب تاریخ آورده می شوند تا مروری بر فصل پائیز تا جایی که به انجمن نجات بر می گردد شده باشد:

آلدو سولولاری، روز یکشنبه ۲ دی ماه ۱۴۰۳ در یک ویژه برنامه در شبکه تلویزیونی کلان Klan که شبکه معروفی است شرکت نمود و از فیلم مستند "مادر، عشق، جدایی" سخن گفت. این فیلم که تقدیم به مادران ایرانی شده است، جدایی آنان از فرزندانشان که در اردوگاه اشرف در آلبانی هستند را نشان می دهد. آلدو که از سن ۱۶ سالگی وارد حرفه خبرنگاری شده توضیح می دهد که خبرنگاری حرفه خودش است، در حالی که جدی ترین کاری که انجام می دهد تعهدش به انجمن نجات آلبانی می باشد.

روزنامه فرهیختگان مصاحبه مفصلی با مدیرعامل انجمن نجات به انجام رساند که در شماره ۳۹۹۵ این روزنامه در ۹ دی ماه درج گردید. مهندس ابراهیم خدابنده در این مصاحبه ضمن پاسخ به سؤالات زهرا طیبی به معرفی انجمن نجات پرداخت و در خصوص موضوع خانواده های دردمند توضیح داد و مناسبات ضد انسانی درون سازمان مجاهدین خلق را برملا کرد.



عوامل مستند مادر، عشق، جدایی که به موضوع مادران دردمند اعضای حاضر در اردوگاه مانز مجاهدین خلق می پردازد با حضور در برنامه وقایع روز شبکه تلویزیونی MCN آلبانی در تاریخ ۱۸ دی ماه درباره ساخت این مستند، موضوع و چرایی ساخت آن توضیحاتی ارائه دادند.

رئیس انجمن نجات آلبانی و مدیر رسانه ای انجمن در گفتگوی زنده با شبکه تلویزیونی آلبانیایی صوت ۷ Sot7 به تاریخ ۲۲ دی ماه که به مدت ۵۰ دقیقه طول کشید شرکت کرده و در خصوص انجمن نجات و مستند "مادر، عشق، جدایی" و اردوگاه سازمان مجاهدین خلق در مانز و مناسبات ضدبشری در داخل آن صحبت کردند.

آلدو سولولاری و اریسا ادریزی روز ۲۳ دی ماه مهمان شبکه رادیو و تلویزیون دولتی آلبانی RTSh (Radio Televizioni Shqiptar) بودند و درباره مستندی که با همکاری هم تولید کرده اند توضیحاتی ارائه دادند. این برنامه به شکل زنده و همزمان از رادیو و تلویزیون این شبکه پخش گردید. در این بین انجمن نجات و سازمان مجاهدین خلق معرفی شدند و عملکرد هر یک توضیح داده شد.

روز جمعه ۲۸ دی ماه، همایش مهمی به همت انجمن نجات آلبانی و همکاری شهرداری در شهر فییر برگزار شد که در آن افشاگری‌هایی درباره عدم رعایت موازین حقوق بشر سازمان مجاهدین خلق در اردوگاه مانز در آلبانی صورت گرفت. این مراسم به طور خاص به مسائل انسانی و روابط خانوادگی که سازمان مجاهدین خلق مخالف آنست پرداخت. مستند "مادر، عشق، جدایی" در این همایش به نمایش در آمد که به حال و روز مادرانی می پردازد که سال‌هاست در انتظار دیدار با فرزندان و عزیزان خود هستند. این همایش بازتاب خوبی در رسانه ها و خصوصا تلویزیون های آلبانی داشت. چهار شبکه تلویزیونی در محل حاضر شده و این همایش را پوشش خبری دادند که عبارتند از: Apollon TV, Star Plus Digitalb, 4Plus TV, Info TV, و دیگر شبکه هایی که اخبار این شبکه ها بازنشر دادند.

روز سه شنبه ۲ بهمن ماه جلسه کمیته بانوان انجمن نجات خوزستان برگزار گردید. در ابتدای این جلسه اکرامی مسئول انجمن نجات خوزستان ضمن تشکر از حضور بانوان شرکت کننده در این جلسه گزارشی از آخرین اقدامات صورت گرفته از سوی انجمن نجات خوزستان و همچنین فعالیت های انجمن نجات آلبانی را به اطلاع اعضای کمیته رساند و تاکید کرد انجمن نجات آلبانی از شروع تاسیس با تلاش ها و فعالیت های روشنگرایانه خود در عرصه اجتماعی آلبانی توانسته است پیام رسان خانواده های اعضای باشد که برای سالها هیچگونه اطلاع و خبری از آنها ندارند.



سازمان مجاهدین خلق در ۲۰ بهمن ماه سال جاری تظاهراتی در پاریس برگزار نمود که به گفته رسانه ها اغلب شرکت کنندگان آن را پناهندگان اوکراینی تشکیل می دادند. این تظاهرات با وجود این که از ماه ها قبل اعلام گردیده و روی آن تبلیغ زیادی شده بود مورد استقبال قرار نگرفته و بیش از هرچیز ورشکستگی فرقه رجوی را به نمایش گذاشت. فرقه رجوی که سرش از بدنه جدا شده و سر در پاریس جا خوش کرده و بدنه بدون هدف در آلبانی رها گردیده به شدت به این تظاهرات، خصوصا در برابر رقبای سلطنت طلب، نیاز داشت اما قضیه عکس شد.

اریسا ادریزی و همسرش سرفراز رحیمی در روز ۲۶ بهمن ماه در برنامه صبحگاهی "Zgjohe me MCN" یعنی بیدار شو با شبکه تلویزیونی MCN آلبانی شرکت نمودند. اریسا و سرفراز در این برنامه به سرگذشت خود پرداختند و در عین حال انجمن نجات آلبانی را معرفی نموده و سازمان مجاهدین خلق را در زمینه حقوق بشر افشا کردند و از دولتمردان آلبانیایی خواستند تا برای توقف نقض حقوق بشر اقدام نمایند.

روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه، تعدادی از اعضای انجمن نجات آلبانی به کلیسای Jezu Krishtit در آلبانی رفتند و در کنار دیگر شهروندان آلبانیایی به دعا و نیایش پرداختند. مسئولین کلیسا در وسط سالن برای اعضای انجمن نجات آلبانی جا رزرو کرده بودند. مجری برنامه پس از اعلام برنامه به اعضای انجمن خوش آمد گفت. او گفت: "امروز مهمانانی از یک انجمن ایرانی داریم و به آنها خوش آمد می گوئیم"

در جلسه بیست و نهم دادگاه محاکمه سران سازمان مجاهدین خلق که روز سه شنبه ۳۰ بهمن ماه برگزار شد، مسعود خداینده یکی از اعضای جدا شده از این تشکیلات که مقیم انگلستان می باشد حضور یافت. او بر اساس مشاهدات خود در داخل سازمان و با مسعود و مریم رجوی دست به افشاگری زد و پرده از بسیاری از مسائل ناشناخته برداشت.

بعد از مصاحبه شبکه تلویزیونی MCN آلبانی با اریسا ادریزی و سرفراز رحیمی و معرفی انجمن نجات آلبانی و استقبال بینندگان از این مصاحبه، شبکه تلویزیونی ATV کوزوو بطور رسمی از انجمن نجات آلبانی درخواست کرد تا با تقبل هزینه های لازم، در روز استقلال کوزوو مصاحبه ای با این دو عضو انجمن نجات داشته باشد. این زوج فعال و کوشا در آلبانی در این مصاحبه در تاریخ ۴ اسفند ماه موضوع نقض حقوق بشر در اردوگاه مانز و ممانعت مجاهدین خلق از ارتباط اعضا با خانواده هایشان را مطرح نمودند.



سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد که ۱۵۱ نماینده کنگره آمریکا بیانیه ای را در حمایت از مریم رجوی و شورای ملی مقاومت امضا نموده اند. این خبر تنها در شبکه جنگ طلب فوکس نیوز آمریکا منعکس گردید و پست آن در صفحه اکس (توییتر سابق) این شبکه در تاریخ ۸ اسفند ماه قرار داده شد که واکنش ها به این بیانیه و کامنت ها اعم از موافق یا مخالف جمهوری اسلامی بسیار جالب است که همگی یک صدا با استفاده از هشتگ های #MEKTerrorists و #NCRTerrorists سازمان را محکوم کرده اند. در نظر سنجی که صورت گرفت مشخص شد که ۹۷/۹٪ شرکت کنندگان در این نظرسنجی، سازمان را جنایتکار و تروریست می دانند و تنها ۲/۱٪ آنرا به عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی قبول دارند.

رقابت های بین المللی کشتی آلبانی رنکینگ اتحادیه جهانی کشتی، در روزهای ۸ تا ۱۲ اسفند در آلبانی برگزار گردید. این مسابقات با حضور تیم های منتخب کشتی آزاد و فرنگی ایران و به عنوان یکی از مراحل چرخه انتخابی تیم ملی کشتی آزاد و فرنگی ایران برگزار شد. تعدادی از اعضای انجمن نجات آلبانی فعالانه در این مسابقات شرکت نموده و تیم های ملی کشورمان را تشویق نمودند.

ابراهیم خدابنده



خبرهای زمستان ۱۴۰۳ انجمن نجات



اول دی

پیام‌هایی به مناسبت شب یلدا

پیام‌های خانواده‌های اسیر و اعضای جدا شده از فرقه رجوی از استان‌های مختلف کشور هر کدام به مناسبت شب چله پیام‌های شورانگیزی دادند که نشان از سرزندگی و شادابی و به‌خوبی اثبات نمود خانواده‌ها تا رهایی عزیزانشان دست از تلاش برنخواهند برداشت

* برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات مجاهدین خلق در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران در روزهای ۴ دی، ۱۸ دی، ۲ بهمن، ۱۶ بهمن، ۳۰ بهمن

در این دادگاه نفرات جدا شده‌ای؛ مانند طالب جلیلیان، محمود آسمان پناه، اردشیر درویشی، مسعود خدابنده حضور یافتند.

۵ دی

روایت قربانی بمب‌گذاری مجاهدین خلق در بازار تهران

خانم منیژه صفی یار در مورد لحظه انفجار عنوان داشت ساعت هشت و نیم صبح روز بیست و دوم اردیبهشت‌ماه سال ۶۴ صدای انفجار مهیبی ناصر خسروی تهران و خیابان‌های اطراف را به لرزه انداخت در این انفجار پایم قطع شد و اکنون پیگیری این جنایت از مجامع بین‌المللی هستیم.

۸ دی

گزارش تلویزیون استار پلاس آلبانی از پخش مستند مادر، عشق، جدایی

۱۱ دی

کانادا هم مریم رجوی و کادر مجاهدین خلق را ممنوع‌الورود کرد

دولت کانادا باتوجه‌به تحرکات گروه تروریستی رجوی در کانادا و تلاش برای خرید پارلمانترهای کانادایی اداره امنیت عمومی و اضطراری محدودیت‌های ویژه‌ای نسبت به اقدامات و تحرکات گروه رجوی در کانادا وضع کرده است که مهم‌ترین اقدام اعلام ممنوعیت ورود مریم رجوی و هم‌چنین کادر مرکزی به کانادا است و حتی از حضور نفرات این گروه از آلبانی به کانادا را ممنوع کرده است.



۱۲ دی

رسالت اعضای سابق مجاهدین خلق چیست؟

آقای ابراهیم خدابنده مدیرعامل انجمن نجات در مورد رسالت اعضای سابق مجاهدین خلق چیست به نکاتی اشاره نمود که نشان از اهمیت کار و فعالیت دوستان جدا شده در داخل و خارج از ایران پرچم افتخارآمیز این رسالت خدابندانه و انسان‌دوستانه را با یاری و حمایت خانواده‌های اعضای فعلی به دوش می‌کشد این کار، مایه مباهاتشان است که جوانان کم‌تجربه ایرانی به دام شیادان مزدور و خائن و وطن‌فروش نیفتند.

۱۲ دی

پیام رئیس انجمن نجات آلبانی به مناسبت فرارسیدن سال نو میلادی

در این پیام خانم اریسا رحیمی ضمن تشکر از همه اعضای انجمن نجات و خانواده‌ها برای تلاش و رهایی عزیزانشان اظهار امیدواری نمود که در سال ۲۰۲۵ سال رهایی اعضای در بند و شاهد دیدار خانواده‌ها با عزیزانشان باشند.

۱۸ دی

پیام قدردانی مادران البرزی برای اعضای تشکل زنان انجمن نجات آلبانی

خانم مرادی به نمایندگی از ۲۷ تن از مادران و زنان استان البرز عنوان داشت سالهاست در فراق و دوری عزیزان خود رنج می‌بریم و خواهان ملاقات هستیم و تشکل زنان انجمن نجات آلبانی را خط مقدم مبارزه با فرقه تروریستی رجوی در آنسوی مرزها می‌شناسیم.

۱۸ دی

گفتگوی فرهیختگان با ابراهیم خدابنده مدیرعامل انجمن نجات

این گفتگوی توسط زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز انجام گرفت آقای خدابنده به آشنایی خود با سازمان مجاهدین و بعد در مورد شکل‌گیری ارتش سایبری مجاهدین که اکنون در کمپ اشرف سه در مانز آلبانی مستقر هستند توضیحاتی دادند.

۲۳ دی

مصاحبه شبکه Sotv آلبانی با آلدو سولولاری و اریسا ادریزی (رحیمی)

در این مصاحبه تلویزیونی که ۵۰ دقیقه طول کشید در مورد مستند مادر، عشق و جدایی صحبت شد که با استقبال گسترده بینندگان مواجه شد لازم به ذکر است که این شبکه قویاً طرفدار اسرائیل می‌باشد.

۲۸ دی (برابر ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵)

همایش انجمن نجات همراه با اکران مستند در شهرستان فیبر در آلبانی

این همایش در شهرستان فیبر آلبانی توسط انجمن نجات و با همکاری و امکانات شهرداری روسکوچ و در سالن شهرداری برگزار گردید که در این همایش خانم البورا سینای، خانم بلوتا چومنی، آقای هاریلا گوگا، خانم مایلیندا بوفی و آقای آلدو سولولاری سخنرانی نمودند که با استقبال زیادی مواجه شد و چهار کانال تلویزیونی این همایش را پوشش دادند.

۲۹ دی

سخنرانی رئیس انجمن پارتیزان‌های سابق در همایش فیبر انجمن نجات آلبانی
آقای هاریلا گوگا Harrilla Goga رئیس انجمن پارتیزان‌های سابق عنوان داشت.

مادران همیشه کسانی هستند که ما را با زحمت، درد و فداکاری بزرگ می‌کنند، همیشه با اشک در چشمانشان، آن‌ها قهرمانان زندگی ما هستند و نباید هرگز آن‌ها را فراموش کنیم؛ بنابراین از شما و انجمنان تشکر می‌کنم.

۳۰ دی

نامه آقای پوراحمد به سخنگوی ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا آقای پیتر استانو

آقای پوراحمد از موضع‌گیری آقای پیتر استانو نسبت به محکوم‌کردن حمله تروریستی حرم مطهر شاهچراغ، حمایت از توافق ایران و آمریکا، محکوم‌کردن حمله پهبادی اسرائیل علیه ایران و محکوم‌کردن حمله اسرائیل به سفارت ایران در دمشق که حائز اهمیت است قدردانی نموده و عنوان داشت انتظار داریم صدای رسای اعضای ناراضی تشکیلات مافیایی رجوی باشید.

۲ بهمن

داستان پر رنج مادران اسرای رجوی بر روی آنتن تلویزیون Tv4plus آلبانی

تلویزیون تی‌وی پلاس آلبانی با انتشار گزارشی از همایش انجمن نجات آلبانی در شهرستان فیبر همراه با اکران مستند مادر، عشق، جدایی در این باره نوشت: پیام این فیلم همبستگی مادرانی است که در ایران هستند و فرزندانشان در سازمان مجاهدین و چندین دهه با فرزندان خود ارتباطی ندارند.

۱۶ بهمن

نامه خانواده‌های انجمن نجات یزد به سخنگوی ارشد امور خارجی اتحادیه اروپا آقای پیتر استانو

در این نامه از وی خواستند عملکرد فرقه تروریستی رجوی علیه سرزمینشان ایران محکوم و به‌خاطر مواضع انسانی از خانواده‌های که خواهان ملاقات هستند حمایت نمایند.



۱۷ بهمن

تقدیر و تشکر صمد اسکندری از رئیس انجمن نجات آلبانی

آقای اسکندری مسئول انجمن نجات استان زنجان طی پیامی از زحمات بی‌شائبه خانم اریسا ادریزی رئیس انجمن نجات آلبانی و همکارانش تقدیر و تشکر نمود.

۱۷ بهمن

شکست عوامل مجاهدین در محکمه‌ای دیگر

آقای محمد رضا ترابی، از کودک سربازان پیشین مجاهدین خلق اطلاع داد شکایت یکی از عوامل مجاهدین خلق علیه او با شکست مواجه شد و اکنون نوبت وی می‌باشد که از نامبرده به اتهام دروغ گفتن و تهمت‌زدن شکایت کند.

۲۳ بهمن

روایت یک اوکراینی از حضور در تظاهرات مجاهدین خلق

یک شرکت‌کننده اوکراینی در توییت خود نوشته ایرانی‌ها مردمی فریبکار و دروغگو هستند یک سازمان ایرانی با وعده میهمان‌نوازی و تور پاریس از من برای تظاهرات علیه روسیه و حمایت از کشورم دعوت کرد؛ اما بعد متوجه شدم که دروغ بوده و در ابتدای مراسم پرچم‌های کشورم را از من گرفتند و پرچم خودشان را دادند این کار یعنی فریبکاری.

۲۷ بهمن

ملاقات هیئت انجمن نجات آلبانی با کلیسای - Jezu Krishtit

روز جمعه بیست و ششم بهمن و چهاردهم فوریه به مناسبت روز عشق (ولنتاین) هیئت انجمن نجات آلبانی طی ملاقاتی با کلیسای Jezu Krishtit درباره سرزمین محصور و عشق ممنوع مجاهدین خلق در مانز صحبت کردند.

۲۹ بهمن

گسلایتینگ، تکنیک مسعود رجوی علیه قربانیانش

یکی از تکنیک‌هایی که دیکتاتورها و رهبران فرقه‌ها برای به کنترل درآوردن پیروان خود به کار می‌برند، پدیده‌ای است به نام گسلایتینگ Gaslighting که در زبان فارسی "پدیده چراغ گاز" ترجمه شده این کار باعث می‌شود قربانی اعتبار فکر خود، تعقل و توانایی، درک واقعیت و استدلال صحیح را زیر سؤال ببرد.

**۴ اسفند**

اعتراض رسانه آلبانیایی نسبت به حضور مجاهدین خلق در خاک این کشور

سایت خبری فیالا لیر، در گزارشی انتقادی از سیاست‌های ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اعلام کرد که وجود مجاهدین خلق در این کشور مانند یک دینامیت است.

۷ اسفند

کتاب "تهران تا تیرانا" خاطرات بادیکارد به چاپ چهارم رسید.

در این کتاب آقای خدابنده به مسائلی مانند انفجارهای ۷ تیر و ۸ شهریور و هم چنین در مورد عملیات های ناموفق سازمان پرداخته که خواندن این کتاب می تواند بسیار روشنگرانه و آگاهی بخش برای نسل جوان باشد.

۱۲ اسفند ۱۴۰۳

گفتگوی سایت نجات با صمد اسکندی

آقای اسکندری نماینده حقوقی انجمن نجات در باره دادگاه سران مجاهدین نقطه نظرات خوبی بیان داشتند و اشاره ای هم به ترس سران مجاهدین در مورد دادگاه بیان داشتند و اعلام تعداد زیادی از جدا شدگان برای شهادت دادن در دادگاه که نوید بخش خبرهای خوبی است.

۱۳ اسفند

حضور اعضای انجمن نجات آلبانی در مسابقات رتبه بندی کشتی در آلبانی. این بار نیز مانند گذشته حضور اعضای انجمن نجات آلبانی چشمگیر بود.

۱۴ اسفند

برگزاری سی امین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات سران مجاهدین خلق

در این دادگاه علاوه بر آقای منصور نظری عضو جدا شده از سازمان یاسر نصرتی کودک سرباز سازمان در دادگاه به عنوان شهود حضور یافتند و افشاگری های خوبی نمودند.

۱۸ اسفند

اعضای انجمن نجات آلبانی به مناسبت روز جهانی زن در خیابان‌های تیرانا گرد هم آمدند و با اهدای گل به شهروندان زن و برگزاری نمایشگاه عکس و پوستر و توزیع بروشورهایی درباره نقض حقوق زنان در کمپ مجاهدین خلق موسوم به اشرف ۳، واقع در روستای دور افتاده مانز، تلاش کردند که ذهن شهروندان آلبانیایی را درباره سازمان مجاهدین خلق روشن کنند.

هادی شبانی



زمستان در تاریخ مجاهدین خلق

پنجم دی ماه ۱۳۹۲ حمله موشکی به مقر نظامی مجاهدین خلق در عراق (کمپ اشرف)

مجاهدین خلق که کمپ اشرف در عراق را پایگاه ارتش آزادیبخش می‌نامیدند و با نگهداری مقادیری سلاح و مهمات و توپ و تانک در آن مقر برای حمله به خاک ایران با کمک صدام حسین برنامه‌ریزی می‌کردند، هنگام حمله موشکی به اشرف آنجا را در عقب‌گردی ذلیلانه کمپ پناهندگی و خود را ایرانیان پناهنده و تبعیدی و نه مبارزین شورشی معرفی کردند.

پانزده دی ماه ۱۳۵۸ اعلام کاندیداتوری مسعود رجوی برای ریاست‌جمهوری

مسعود رجوی که در اوایل انقلاب قصد رسیدن به قدرت داشت هم برای جذب عناصر مخالف ندای مخالفت سر می‌داد و هم برای کسب قدرت و جذب آرا مردم خود را یار انقلاب و دعاگوی امام خمینی می‌نامید

باین‌وجود با اعلام کاندیداتوری مسعود رجوی و ترک صحنه و نیز رای نیاوردن در عمده انتخابات مجلس باعث شد که آنها برای کسب قدرت راه دیگری در پیش بگیرند. راه ترور و خزیدن به دامن دشمن

نوزدهم دی ماه ۱۳۶۱ ملاقات مسعود رجوی با طارق عزیز

ایران در حال جنگ با رژیم بعث صدام حسین بود و عراقی‌ها پیشرویی‌هایی را نیز در خاک ایران انجام داده بودند در این حین سازمان مجاهدین که به خدمت دولت عراق درآمد بود از جانب اپوزسیون بلامنازع با طارق عزیز ملاقات و ضمن قرارداد همکاری و مزدوری برای صدام حسین و با بخشش‌های خاک و آب ایران‌زمین در صورت پیروزی و کسب قدرت همکاری و مساعدت صدام حسین را برای ایجاد پادگان و مقر نظامی در خاک عراق به دست آورد، اسم این توافق شرم‌آور در نمایشی مضحک بعدها قرارداد صلح با عراق نام‌گذاری شد.

بیستم دی ماه ۱۳۹۲ مرگ بهزاد معزی

بهزاد معزی خلبانی که مسعود رجوی را از ایران فراری داد گرچه در اواخر عمر با تشکیلات مجاهدین خلق زاویه و اختلاف شدید داشت و حتی وراث او به‌خاطر محل دفن و سناریوی سازمان در این باره اعتراض خود را عنوان کردند؛ ولی با مردن در تشکیلات مجاهدین خلق عاقبتی را پیدا کرد که انتظار نداشت.



سی دی ماه ۱۳۵۷ آزادی مسعود رجوی از زندان

مسعود رجوی با تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به همت قیام مردم آزاد شدند، تفاوت او با دیگر زندانیان سیاسی شاید این بود که او بجای محاکمه در دادگاه خلق به خاطر همکاری با ساواک و لودادن مسئولین سازمانش آزاد می‌شد در حالی که بابت این همکاری بجای اعدام به حبس محکوم شده بود و تفاوت دیگر اینکه او نمی‌خواست بپذیرد که آزادی‌اش را مدیون قیام مردم است و متوهمانه می‌اندیشید که زندانی شدن او باعث قیام مردم شده است و به همان اندازه طلبکار بود و در جستجوی قدرت

چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷ اولین سخنرانی مسعود رجوی پس از آزادی

مسعود رجوی در این سخنرانی سعی کرد با فضایی مملو از شعر و شور و هیجان و به قول خودش تبلیغی - تهییجی خود را صاحب انقلاب قلمداد کرده و به کسب قدرت نزدیک شود.

هفتم بهمن ماه ۱۳۶۳ انتخاب مریم رجوی به عنوان هم ردیف و ازدواج حاشیه‌ساز مسعود رجوی با او

مسعود رجوی در یک انتخاب بدون زمینه قبلی مریم عضدانلو زن ابریشمچی را به عنوان هم‌ردیف خود برگزید انتخابی که موجب جدایی او از ابریشمچی و ازدواج با مسعود رجوی شد و نیز پایه‌ای شد برای انقلاب ایدئولوژیک و طلاق‌های اجباری و به عقد مسعود رجوی در آمدن همه زنان

دهم بهمن ماه ۱۳۵۸ سخنرانی انتخاباتی مسعود رجوی برای مجلس و تهدید به رودرویی با نظام و تقابل نظامی

سخنرانی انتخاباتی مسعود رجوی برای مجلس قبل از اینکه ناظر بر اهداف و عملکردها و تصمیم و برنامه‌ها باشد بیشتر رنگ‌وبوی تهدید داشت، تهدید به مقابله و رویارویی نظامی در صورت انتخاب نشدن خودش، این انتخابات با بیست و یکم شدن مسعود رجوی از بین بیست و چهار نفر و انتخاب فخرالدین حجازی به عنوان نفر اول باعث کینه شدید مسعود رجوی از مردم ایران شد.

نوزدهم بهمن ماه ۱۳۶۰ ضربه به خانه تیمی محل استقرار موسی خیابانی و اشرف ربیعی

این خانه تیمی که بعد از خروج مسعود رجوی و استقرار او در پاریس لو رفت توسط مهدی ابریشمچی حفاظت می‌شد، صدای موسی خیابانی که در یک کاست برای مسعود رجوی فرستاده شده بود و گلایه‌های او از مسعود رجوی که بعدها توسط سازمان مجاهدین سانسور شد، امکان لودادن عمدی این خانه تیمی را توسط مهدی ابریشمچی در اذهان انداخت، بخصوص که مسعود رجوی یک مخالف برای کسب بلامنازع قدرت یعنی موسی خیابانی و یک مانع برای کسب مریم رجوی یعنی اشرف ربیعی را از میان برداشته بود.

بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۵۷ هجوم سازمان مجاهدین به پادگان‌ها برای جمع‌آوری سلاح

سازمان مجاهدین که خود را مقید به کار سیاسی و تشکیلاتی نشان می‌داد و اذعان می‌کرد که در فاز سیاسی قرار دارد با هجوم گسترده به پادگان‌ها در این روز به جمع‌آوری سلاح و پنهان کردن سلاح و مهمات و مواد منفجره اقدام کرد، این در حالی بود که هم‌زمان پیشنهاد انحلال ارتش را نیز داده بود.



بیست و دوم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ عدم حضور مسعود رجوی در تظاهرات و قیام مردمی

در تظاهرات مردمی بیست و دوم بهمن‌ماه که همه مردم حضور داشتند، مسعود رجوی در خانه ماند، مسعود رجوی بعدها هم نشان داد که به‌عنوان رهبر یک تشکیلات با همه شعر و شعارهایش هیچ‌گاه و هیچ‌وقت خود را در معرض خطر قرار نخواهد داد. او نه‌تنها در هیچ عملیات بلکه در هیچ حادثه خطرناکی حضور نداشت؛ ولی با قساوت تمام اعضا و مسئولین سازمان را برای مطرح‌شدن خودش به دهان مرگ می‌فرستاد و این کار و رویه همچنان ادامه دارد.

بیست و ششم بهمن‌ماه درخواست انحلال ارتش توسط مسعود رجوی

مسعود رجوی بعد از یک انقلاب مردمی و باوجود دشمنان خارجی بسیار پیشنهاد انحلال ارتش را می‌داد، پیشنهاد خطرناکی که می‌توانست برای کشور خطرناک باشد او درعین‌حال خود در فکر تشکیل یک ارتش بود و به جمع‌آوری سلاح و تشکیل میلشیا اقدام می‌کرد، همه اینها زمینه‌سازی برای کسب قدرت بود که با تنفر مردمی از این سازمان خوشبختانه محقق نشد.

یازدهم اسفندماه قتل زهرا رجبی و علی مرادی در استانبول

کشته‌شدن زهرا رجبی که از زنان مسئول در سازمان مجاهدین بود باتوجه‌به مخالفت‌های او با طلاق اجباری و انقلاب ایدئولوژیک مسعود رجوی درحالی‌که با علی مرادی در یک‌خانه در نیمه‌شب کشته شده بودند درحالی‌که این حضور زن و مرد با هم در یک محل بدون حضور افراد دیگر در قوانین سازمان جرم محسوب می‌شد این ظن را در بین اعضا قوی کرده بود که کشتن این دو کار خود سازمان است، آنها که برای جذب ایرانیانی که برای کار از کشور خارج شده بودند در ترکیه حضور داشتند بعدها شهید حقوق بشر نامیده شدند و گفته شد که مشغول تسریع کار پناهندگان ایرانی بوده‌اند درحالی‌که با فریب و نیرنگ و به اسم رسیدن به کشورهای اروپایی و اقامت، ایرانیان را به عراق و قرارگاه اشرف و اسارت می‌کشاندند.

بیست و دوم اسفندماه ۱۳۶۱ تصویب طرح صلح شورای ملی مقاومت (مجاهدین خلق با دولت صدام)

بعد از ملاقات مسعود رجوی با طارق عزیز و بستن قرارداد مزدوری برای صدام حسین توسط او شورای فرمایشی مجاهدین خلق هم که تصمیم‌گیرنده اصلی آن مسعود رجوی بود این طرح را به اسم طرح صلح تصویب کرد.

بیست و هفتم اسفندماه ۱۳۸۱ فرار مریم رجوی و مسئولین سازمان به فرانسه قبل از تهاجم آمریکا

همیشه مسئولین برجسته سازمان بخصوص مسعود رجوی و مریم رجوی در بزنگاه‌های تاریخی و مخاطرات با به‌کشتن‌دادن اعضای گرفتار خود را از خطر دور کرده‌اند، فرار مریم رجوی با مسئولین بالای سازمان قبل از تهاجم آمریکا به عراق درحالی‌که همان‌ها تحلیل می‌کردند و شعار می‌دادند که آمریکا که به عراق حمله کند در مقابل مقاومت حزب بعث شکست خواهد خورد و از این اوضاع به‌هم‌ریخته ما می‌توانیم استفاده کرده و به ایران حمله کرده و سرنگونی را محقق کنیم. تحلیلی که نه‌تنها واقعی نبود؛ بلکه باعث شد که مجاهدین خلق به طور رسمی از زیر بال حزب بعث و صدام بیرون آمده و تمام‌عیار به خدمت آمریکا دربیایند.

سامان نجاتی



ضرورت بررسی موضوعات حقوقی

در

ارتباط با جنایات مجاهدین خلق علیه

بشریت

با تبیین ضرورت بررسی اصول و قواعد کلی حقوقی در امور مدنی و کیفری، قوانین داخلی و بین‌المللی را جهت تنویر اذهان عمومی با مخاطبین محترم به شرح ذیل به اشتراک می‌گذارم.

مقدمه:

فراگیری قوانین و احکام حقوقی سبب می‌شود تا در دفاع مشروع مقابل نظام‌ها و دیدگاه‌های حقوقی معارض دید وسیعی داشته باشیم تا بتوانیم برای دفاع عقلانی مقابل این‌گونه تفکرات معارض برنامه مناسب با ضرورت‌های فعلی جامعه و جهان داشته باشیم. ضرورت توانایی در برخورداری از علم حقوق در گرو مباحث حقوقی نهفته است؛ زیرا این مباحث اساسی و زیربنایی است که بتواند قابلیت انطباق نظام حقوقی در شرایط مختلف را مهیا و قدرت پاسخ‌گویی را برای همگان امکان‌پذیر سازد.

جنایات مجاهدین در درون مناسبات و تشکیلات رجوی:

اشکال جنایات عوامل رجوی در درون کمپ‌های مجاهدین علیه اعضای داخلی بسیار متنوع و متعدد است و چنانچه بخواهیم تمامی ابعاد آن را بررسی کنیم از فرصت این یادداشت فراتر خواهد رفت؛ لذا بیشتر به عناوینی از جنایات مجاهدین که بار جنایت علیه بشریت را دارا است و در نظام حقوق بین‌المللی و داخلی از اهمیت بیشتری برخوردار است می‌پردازیم.

آثار حقوقی ممنوعیت ازدواج در مناسبات مجاهدین خلق:

در تمامی جوامع بشری و در قانون عام الهی تمام خلقت پروردگار اعم از انسان، حیوان و جماد به سنت ازدواج به‌عنوان یک مسیر طبیعی و حفظ بقا و پیشروی انسان در مسیر تکامل تأکید گردیده است. ماهیت ذاتی امر ازدواج بر اساس محورهای ذیل طبقه‌بندی گردیده است:



۱- توالد و تناسل ۲- تکامل انسان ۳- سنت ذاتی و هدایت ۴- سنت حکمت و عدالت الهی ۵- سنت هدایت ذاتی ۶- نیاز های واقعی انسان در جهت حضانت و پرورش در دامن خانواده ۷- پیشگیری از انحرافات اجتماعی و اخلاقی

با تعاریف فوق به این باور می‌رسیم که خانواده به‌عنوان یک پدیده اجتماعی فقط مختص یک جامعه و یا تفکر نیست و خداوند متعال راه تکامل انسان را از طریق و مسیر تشکیل خانواده محقق کرده است.

باتوجه به نقش سازنده ازدواج در زندگی فردی و اجتماعی، از دید دین مبین اسلام سفارش‌ها فراوانی در مورد ازدواج شده است که همگی بر اهمیت و نیاز و آثار ارزنده آن دلالت دارد و در قرآن کریم مکرراً به این امر پرداخته شده است.

وَأَنْكَحُوا الْأَيْمَىٰ مُسْكِمًا
به نكاح در آورید بی‌همسرانان را

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
آنان برای داشتن یک خانواده خوب دست به دعا برمی‌دارند

حال با همه تفاسیل و تعاریف در خصوص امر مقدس ازدواج به موضوع مهم ممنوعیت ازدواج و عواقب بسیار خطرناک آن در مناسبات مجاهدین خلق بازمی‌گردیم.

پس از ازدواج مسعود رجوی با مریم عضدانلو در حومه پاریس و متعاقب آن ازدواج نامبارک مهدی ابریشمی با مینا خیابانی با اختلاف سنی نزدیک به ۳۰ سال، تمامیت مناسبات مجاهدین خلق با تنش بی‌سابقه تشکیلاتی در تمامی سطوح مواجه شد. با انتقال مرکزیت فرقه به عراق و ایجاد قرارگاه مرکزی اشرف و تشکیل به‌اصطلاح ارتش آزادی‌بخش که در برگیرنده افراد مختلف به‌ویژه اسرای جنگی پیوستگی با نظرات گوناگون و طولانی‌شدن استقرار آنها در محیط بسته کمپ اشرف که برخی اعضا متأهل و دارای فرزند بودند و تعداد چشمگیری مجرد، مناسبات درونی مجاهدین با چالش بی‌سابقه روبه‌رو شد و رجوی برای خروج از این بحران و مهار این وضعیت، ازدواج خود با مریم قجر را سرآغاز انقلاب ایدئولوژیکی مجاهدین خلق در سالن اجتماعات مقر اشرف اعلام نمود.



پیرو این اعلام دستور داد تا تمام زوجین بدون توجه به وضعیت فرزندان در اولین فرصت از همدیگر جدا شوند و نام آن را طلاق مادام‌العمر گذاشتند و در ارتباط با اعضا مجرد زن و مرد نیز دستور چنین بود: "حق ندارید حتی در مخیله خود به زن و ازدواج فکر کنید."

ابزارهای لازم برای سرکوب امیال شخصی افراد نیز توسط رجوی با محوریت عملیات جاری و نشست‌های اجباری غسل هفتگی همچنین نشست‌های دیگ و دیگچه و النهایه نشست‌های خوفناک طعمه در تشکیلات رجوی پیاده‌سازی گردید. مسعود رجوی برخلاف اینکه یک حقوق‌دان بود هرگز به تبعات وحشتناک و عواقب مخرب آن در درون مناسبات مجاهدین نمی‌اندیشید. نتیجه سال‌ها مجرد اجباری برای اعضا زن و مرد همان چیزی است که امروزه به قلم و لسان برخی جدانشدگان در خصوص تجاوزها و انحرافات جنسی در درون کمپ‌های مجاهدین منتشر می‌شود. باتوجه به اهمیت ویژه این بحث که جدای از موضوع نسل‌کشی قابل‌بحث است در بخش‌های آتی به‌صورت ویژه به این مهم پرداخته خواهد شد.

فارغ از صدمات روحی و شخصیتی موضوع ممنوعیت تشکیل خانواده علیه اعضای گرفتار، چون امر ازدواج یکی از اصلی‌ترین مباحث تکاملی و حفظ بقا و ادامه نسل بشر به شمار می‌رود، رهبر مجاهدین خلق آگاهانه و عامدانه در مقابل سیر تکامل بشری به‌عنوان یک مانع غیرقانونی و خارج از تصور جامعه بشری قرار گرفت و تعداد زیادی زن و مرد از موهبت الهی تشکیل خانواده، فرزندآوری و توالد و حس خوب خانواده محروم شدند و ادامه نسل این افراد به‌عنوان یک حق مسلم انسانی از آنها سلب گردید.

امروزه جرم نسل‌کشی به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ بشریت که آسیب‌های زیادی را به بار آورده و تاریخ سیاهی را در آن زمان و مکان ایجاد کرده است مطرح می‌باشد. همواره و در محافل حقوقی گوناگون این جرم به‌شدت مورد بحث و بررسی و نکوهش قرار گرفته و قوانین و احکام بسیار محکم و سختی برای آن در نظر گرفته شده و به‌طور کلی ممنوع در عالم شده است.

ممنوعیت ارتکاب جنایت نسل‌کشی بنا بر تصریح کنوانسیون ۱۹۴۸ جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، هم اکنون به بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی تبدیل شده و قواعد آمره محسوب و در پیش‌نویس اساس‌نامه دیوان بین‌المللی، به‌عنوان جرائم بین‌المللی از آن یاد شده و نسل‌کشی جز جرائم ضد بشریت به شمار می‌رود و طبق ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، بند ۳ ماده ۴ اساس‌نامه دادگاه یوگسلاوی سابق، بند ۲ ماده ۲ اساس‌نامه دادگاه روندا و ماده ۶ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری نسل‌کشی تحت پیگرد قانونی در کل دنیا قرار می‌گیرد و مصادیق آن عبارت‌اند از: قصد نابودی تمام یا

بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی، ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه، قراردادن عمدی یک گروه در شرایط زندگی نامناسب به منظور زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنان، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه، انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر.

همانگونه که ملاحظه می‌فرمایید تمام مصادیق جرم نسل‌کشی در مناسبات مجاهدین خلق چه در عراق و چه در آلبانی به اثبات رسیده است و سران مجاهدین خلق با آگاهی و بی‌توجهی به عواقب آن بی‌وقفه در حال تکرار جرم نسل‌کشی هستند. بی‌شک روزی فرا خواهد رسید که عوامل اصلی این جنایات و در رأس همه آنها مسعود و مریم رجوی به‌عنوان آمران اصلی در صحن دادگاه بین‌المللی پاسخگویی این جنایات خواهند بود. با امید اینکه مطالب مندرج برای مخاطبین عزیز مفید و تأثیرگذار باشد ان‌شاءالله در شماره‌های آتی نشریه به سایر جنایات عوامل رجوی پرداخته خواهد شد.

صمد اسکندری

کمیته حقوقی انجمن نجات

امید به رهایی فرزندان



مادر علیرضا توکلی از افراد گرفتار در فرقه مجاهدین خلق

این مادر چشم انتظار، در کنار دیگر خانواده‌ها برای دیدار با فرزندش علیرضا توکلی به اشرف رفت و آنجا مورد تهاجم قشون رجوی قرار گرفت، چه سنگ‌ها که خورد و چه فحش‌هایی که نشنید ولی هر بار بعد از بازگشت باز برای دیدار با فرزندش اعلام آمادگی می‌کرد.

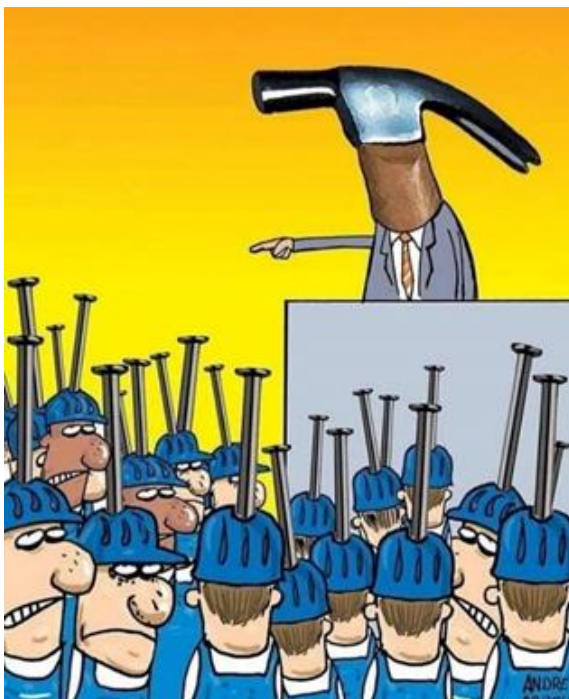
Ψ

روانشناسی

مسعود رجوی بیمار روانی یا مجرم روانی

بیماری روانی یک اختلال شخصیتی است. اختلال شخصیت یک کلاس از اختلالات روانی هستند که با الگوهای رفتاری شناختی و تجربیات درونی پایدار ناسازگار غیرقابل انعطاف مشخص می‌شوند که در زمینه‌های مختلفی بروز کرده. افراد مبتلا به اختلال شخصیت علائم ظاهری بزرگمنشی را از خود نشان می‌دهند و با نشانه‌های شدید شرم، بی‌ارزشی خود، دلسوزی کم و خود بی‌زاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

دیدگاه آنها نسبت به خود به شدت قابل‌تغییر و وابسته به نظرات دیگران در مورد آنهاست. آنها همچنین نسبت به انتقاد بسیار حساس بوده و نیاز شدیدی به تحسین دارند. این افراد مبتلا از طریق تحسین ارزش خود و معنای زندگی را به دست می‌آورند. بیمار روانی در ارتباط با تجربیات دیگران و ابراز آسیب‌پذیری عاطفی با مشکل مواجه می‌شوند همچنین کمتر احتمال دارد در رفتارهای اجتماعی شرکت کنند. اگرچه همچنان می‌توانند به طرقی ایثارگرانه عمل کنند تا دیدگاه دیگران درباره خود را بهبود بخشند پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. آنها مستعد افسردگی هستند. از دست‌دادن محبت دیگران از جمله فشارهای روانی شایعی است که بیماران با رفتارشان برای خودشان ایجاد می‌کنند و همین فشارها نیز همان‌هایی هستند که اینها هیچ نمی‌توانند از پششان برآیند.



نکته مهم و قابل‌توجه این است که قربانی بودن بنیادی‌ترین احساسی است که بیمار روانی با خود حمل می‌کند و همواره ضعیف هستند. این قربانی بودن وجه تمایز بیمار روانی با مجرم روانی است. مجرم روانی خود قربانی می‌گیرد و افرادی هستند که با بیماران روانی معمولی متفاوت می‌باشند به عبارتی نوع خطرناک بیمار روانی خودشیفته است.

در روان‌شناختی خودشیفته خطرناک همان مجرمان روانی هستند و مجرم روانی اختلال شخصیتی ضداجتماعی و رفتار مجرمانه دارد. در علم روان‌شناسی بیمار روانی از روی عمد به دیگران آسیب نمی‌رساند؛ اما مجرم روانی یا خودشیفته خطرناک از روی عمد دیگران را آسیب می‌رساند و برای بالابردن خود به تحقیر دیگران و سوءاستفاده از انسان‌ها نیاز دارد. جامعه‌ستیزی با خشونت، خشونت‌طلبی، نداشتن احساس دلسوزی و بی‌رحم بودن، بهره‌کشی از دیگران، خوداندیشی، تفکر سیاه‌وسفید، انکار و فرافکنی اجباری، تمایل به کنترل و تسلط بر دیگران، باورهای تحریف شده و بزرگ، نیاز مداوم به تقویت خود با تحقیر دیگران از جمله ویژگی‌ها و خصایص مجرم روانی است.



حال در عصر جدید جهان نظاره‌گر فردی می‌باشد که مرزهای بیماری را تغییر داده. او جدا از اینکه بیمار روانی نیست؛ بلکه فراتر از یک مجرم روانی عمل می‌کند و یک جنایت‌کار روانی و خودشیفته خطرناک محسوب می‌شود. متأسفانه در برخی از کتاب‌ها، مقالات و

مصاحبه‌های جداشده‌ها از فرقه رجوی و کارشناسان فرقه‌ها، مسعود رجوی به‌عنوان یک خودشیفته خطاب گردیده در صورتی‌که مسعود رجوی یک خودشیفته معمولی نیست؛ بلکه یک خودشیفته خطرناک و جنایت‌کار روانی با تمام خصوصیات خودشیفته بودن و پیچیده‌تر از آن عمل می‌کند که باهدف کسب قدرت و ثروت همچنین شهوت‌طلبی به کشتار انسان‌ها و اقدام تروریستی پرداخته و برای به‌دست‌آوردن قدرت، حد و مرزی روبروی خود نمی‌بیند. او با نگاه برده بودن دیگران نوعی از برده‌داری نوینی را در آن‌سوی مرزها و کشورهای میزبان خود در قرارگاهی راه‌اندازی و سال‌های متوالی افراد را تحت سلطه خود از هرگونه حقوق انسانی محروم نموده. اسناد، تصاویر و فیلم‌های مستند مقطوع‌النسل کردن انسان‌ها، نسل‌کشی، آدم‌کشی و اقدامات تروریستی گروهی وی در بسترهای متفاوت همچون کتاب و فضای مجازی قابل رویت است. ده‌ها تن از نزدیکان وی که مدت‌ها برای منافع مالی و یا تمایلات شخصی و عقیدتی با او از نزدیک در ارتباط بودند در زمان‌های متفاوت در رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به خصوصیات منحصر‌به‌فرد و ویژه او اشاره نمودند. در رسانه‌ها و سایت‌های مختلف، خاطرات و افشاگری‌ها صدها نجات‌یافته از تشکیلات رجوی که سال‌ها تحت شستشوی مغزی و فشارهای تشکیلاتی بوده‌اند به زبان و قلم درآورده شده است.

بیژن رضاوندی



فرقه آگوری بدترین فرقه مذهبی دنیا

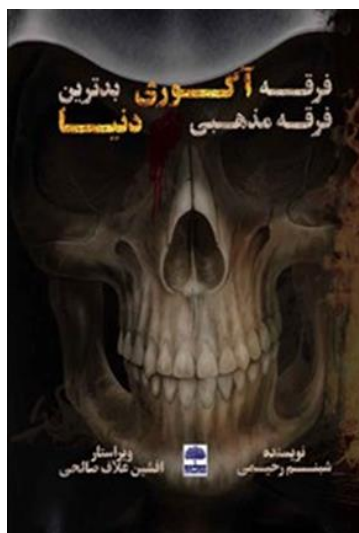
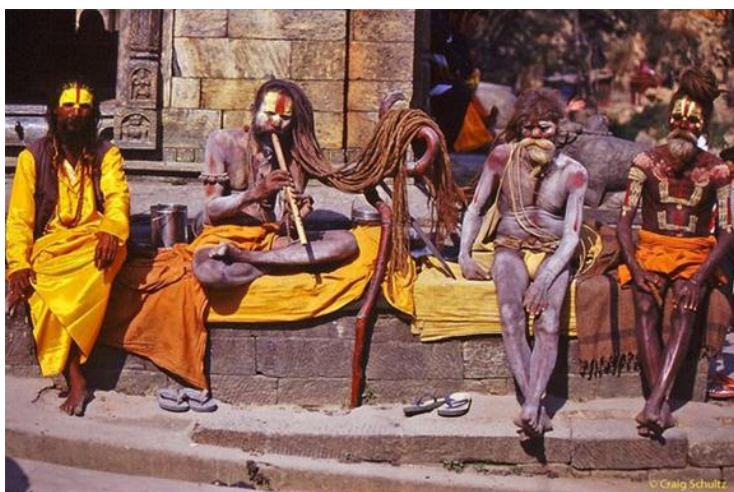
نویسنده: شبیم رحیمی

انتشارات: نشر عطران

این کتاب درباره یکی از فرقه‌های مذهبی هند است که رفتاری دور از شأن و شخصیت والای انسانی از خود نشان می‌دهند.

فرقه آگوری، یکی از فرقه‌های مذهبی است. پیروان این فرقه که در هند ساکنند، تلاش کردند تا در انزوای خود باقی بمانند و قدمی به سوی دنیای ما که زندگی در آن جریان دارد، برندارند. آن‌ها که سبک مرتاضی و ریاضت کشیدن و اهدافی عرفانی را دنبال می‌کنند با رفتارهای عجیب و غیرانسانی خود

شناخته شده‌اند. یکی از این رفتارها، زندگی در نزدیکی گورستان و استفاده از بدن مردگان به عنوان قربانی است. آنان از بدن مردگان روغن می‌گیرند یا از گوشت انسان تغذیه می‌کنند. یکی دیگر از باورهای آنان، اعتقاد به خوردن سم است.





محبت

آنجا فاضلاب‌ها راه به جایی نداشتند و آب‌های مصرفی در چاله‌ای که معمولاً پشت ساختمان‌ها بود جمع می‌شد تا تا نکر تخلیه بیاید و مکش کند و بیرون قرارگاه در کانال‌ها تخلیه‌اش کند، کمپ مجاهدین خلق در اشرف را می‌گویم.

چاله‌هایی که آب‌های مصرفی حمام و توالت و سالن غذاخوری در آنها جمع می‌شد را سپتیک می‌گفتند. صبح‌ها بیدارباش صبح مثل سربازخانه‌ها بود و بعد صبحگاه و صبحانه و شروع کاری تکراری و بیهوده، چیزی نبود که فضای کسل‌کننده را تغییر دهد و این که می‌نوایسم آنجا یک واقعه بود.

همه سرگرم صبحانه بودند باتوجه به کمی وقت عجله هم داشتند، مرتضی اما پشت سالن غذاخوری بود و تا کمر در سپتیک خم شده بود، پرسیدم چه شده؟ با نگرانی درحالی که لباسش به لجن و آب مانده آلوده شده بود و زانوهای شلوارش خیس و گلی بود گفت: یک بچه‌گره در سپتیک افتاده و داشت ناله می‌کرد الان دیگر صدایش در نمی‌آید.



هنوز جلو نرفته بودم که داخل سپتیک را نگاه کنم بچه‌گره را بیرون کشید و برای شستن به دستشویی پشت سالن برد. از این همه محبت او شگفت‌زده بودم و اینکه صبحانه نخورد و لباسش آلوده شد خیالش نبود و خوشحال بود وقتی بچه‌گره تمیز شده را نوازش کرد و رها.

خواستم از او تقدیری شده باشد پس در اولین فرصت به مسئول مقر که خانمی بود به اسم سپیده گفتم که مرتضی چنین کرد... حرفم تمام نشده بود که دیدم عصبانی است و با خشم و فحاشی رو به من کرد که: او این کار را کرد تو غیرت نداشتی بزنی تو دهانش؟ همین‌طور و ایسادی نگاه کردن؟

نمی‌دانستم چه شده؟ فکر کردم اشتباه متوجه شده پس دوباره گفتم که داستان افتادن بچه‌گره در سپتیک را شروع نکرده عصبی‌تر شد و فریاد زد: خجالت نمی‌کشی؟ باز هم داری تعریف می‌کنی؟ برو گم شو تا نشست شب.

نشست شب همان نشستی بود که عملیات جاری می‌گفتند و هر شب برگزار می‌شد و همه باید به اسم انتقاد ولی با فحاشی یقه خودشان و دیگران را می‌گرفتند و از فحش شروع می‌شد تا تهمت و تف کردن و این هر شب ادامه داشت.

شب «خواهر سپیده» در تشکیلات مجاهدین این‌طور زنان را صدا می‌زدند. اولین نفر مرتضی را صدا زد و گفت بلند شو ببینم امروز چه غلطی کردی و چه دسته‌گلی به آب دادی و مرا هم صدا زد که بلند شو تعریف کن و بگو بی‌غیرتی شما کجا بوده؟

داستان را تعریف کردم با این امید که بقیه از این محبت مرتضی تکان بخورند و به وجد بیایند. خواستم در تکمیل توضیحاتم در باب محبت و مهربانی بگویم:

مهربانی را اگر قسمت کنیم

من یقین دارم به ما هم می‌رسد

آدمی گر ایستد بر بام عشق

دست‌هایش تا خدا هم می‌رسد...

اما توضیحاتم هم تکمیل نشد و همان اول جیغ‌وداد خواهر سپیده شروع شد که واویلا بی‌غیرتی و امان از نداشتن عنصر مجاهد خلقی و تف بر شما که به بچه‌گره محبت کردید.



استدلال اما این بود که هر محبتی توسط مجاهد خلق به‌غیراز رهبری شرک است، هر محبت و عشقی را باید فقط و فقط به رهبری مجاهدین خلق یعنی مسعود و مریم هدیه کرد و اصولاً نباید غیر از این دو یعنی نقطه رهبری محبت در وجود کسی شکل بگیرد و از اینجا که شروع شود امروز محبت به گربه و بچه‌گره و فردا محبت به خلق و پی چه کسی باید بجنگد؟



این را که گفت بقیه حضار شروع کردند به فحاشی و دادزدن که مظلوم فقط برادر مسعود است و خواهر مریم بعد شما وقتتان را وقت یک مجاهد را بجای اینکه صرف مبارزه کنید برای یک بچه‌گربه تلف کرده‌اید؟ و این آن قدر ادامه داشت که همان خواهر سپیده دستور آتش‌بس داد و گفت کافی.

البته جیغ‌و داد و فحاشی بقیه حضار دلیلی منطقی داشت و قابل‌فهم بود خودم هم گاهی این کار را کرده بود، چرا که کسی که در این نشست‌ها ساکت می‌ماند خائن به عنصر مجاهد خلق شناخته می‌شد و خودش مورد فحاشی قرار می‌گرفت.

آخرین تصمیم در آن نشست این بود که من و مرتضی برای جبران کار زشت محبت به بچه‌گربه باید بعد از پایان نشست بچه‌گربه را پیدا کرده در کیسه‌زباله انداخته گره می‌زنیم که تیم حفاظت قرارگاه فردا به خارج از اشرف برده و در رودخانه بیندازد.

من و مرتضی چند ساعتی دنبال بچه‌گربه گشتیم؛ ولی او را پیدا نکردیم، گرچه او را دیدیم و دیدیم که با چه نازی سرخودش را به پوتین پای مرتضی می‌مالد. وقتی نوازشش می‌کردم درست چهار انگشت از کف دست من بزرگتر بود.

به مسئولین گفتیم که پیدا نمی‌شود و پذیرفتند که جستجو را ادامه ندهیم.

اما جستجوی محبت همیشه در ذهن من و مرتضی ماند.

دلی دیرم خریدار محبت

کز او گرم است بازار محبت

لباسی دوختم بر قامت دل

ز بود محنت و تار محبت

سامان نجاتی



واژه ها و اصطلاحات فرقه رجوی

سازمان مجاهدین خلق به مرور زمان و در روند حرکتش زبان خاصی برای برقراری ارتباطات درونی تدارک دیده است که ناشی از ساختار فرقه ای آن می باشد. زبان گفتاری و نوشتاری سازمان مجاهدین خلق، زبان رمز گونه ای است که در میان اعضای آن رواج دارد و تنها توسط آنان قابل فهم می باشد. در این نشریه با ۴ اصطلاحی که در فرقه رجوی معنای آن ها تغییر داده شده اند آشنا می شویم.

قسمت دوم

دستگاه: در تعبیر سازمان مجاهدین خلق منظور از این اصطلاح سیستم ذهنی است.

دستگاه جنسیت: با دیدگاه و ذهنیت مبتنی بر تفاوت تاریخی زن و مرد به مسائل نگرستن، مجموعه دیدگاه ها در مورد زن که با دیدگاه سازمان مغایر است.

دستگاه ضعیفگی: دیدگاه و نظرگاهی که زن را ضعیف تر از مرد می داند.

دستگاه عوض کردن: مجموعه دیدگاه ها و تفکرات را تغییر دادن و با شرایط جدید منطبق شدن، اقتباس از فرهنگ موسیقایی (که این تعبیر به معنی از یک مجموعه هماهنگ ملودیک به مجموعه ای دیگر رفتن) به معنی استعداد تغییر ذهنی نسبت به یک مسأله: "توی باغ نیستی، دستگاهت را عوض کن تا وارد باغ بشوی!"



یاد اولین جشن نوروز بعد از آزادی گرامی باد

صدای گام‌های بهار آرام، آرام به گوش می‌رسید. کمپ امریکایی موسوم به تیف در کنار دوستانی که سالیان از بهترین سال‌های عمر و جوانی خود را در اسارتگاه اشرف به امید واهی تلف کرده بودیم خودمان را آماده جشن نوروز می‌کردیم. از دوران کودکی نوروز برایم با لباس‌های نو، وعیدی پدر بزرگ، دیدوبازدید با فامیل و از همه مهم‌تر، تعطیلی دو هفته‌ای مدرسه معنا پیدا می‌کرد. تخم‌مرغ‌های رنگی، رقص ماهی‌های قرمز در تنگ بلور، صدای تیک‌تاک عقربه‌های ساعت که پایان سال قدیم و شروع سال جدید را به ما یادآوری می‌نمود. سفر خانوادگی به روستای پدر بزرگ و لذت زندگی ساده در روستا ذوق و شوق عجیبی در من ایجاد می‌کرد.

بیش از ۲۳ سال بود که با آن حس زیبا فاصله گرفته و وارد دنیایی شده بودم که با آن هیچ سنخیتی نداشتیم. شور و احساس جوانی، صداقت و باور زود هنگام بچگانه و امید و اعتماد ساده لوحانه که مقتضای آن دوران من بود من را به مسیری کشاند که ابتدا سرچشمه زلال آب، ولی در ادامه سراب خود را نشان داد. بیست و سه سال از بهترین روزهای جوانی ام بدینسان در پشت سیاح و برج‌های بلند و برق سلاح گذشت. در هر بهار و در آستانه تحویل هر سال و به هنگام رقص عقربه‌های ساعت و شلیک توپ تحویل سال، روح و روان و اندیشه ام از آن حصارها به سوی خانواده ام پر می‌کشید و باز آن خاطرات گذشته برایم تداعی می‌شد. برای لحظاتی غرق در شادی بر سر سفره عید با خانواده ام می‌شدم اما صدای بلندگوی سالن اجتماعات قرارگاه اشرف که حضور رجوی در سالن را اعلام می‌کرد و بعد شور و شادی‌های مصنوعی و احساسات اجباری آن لذت را از من می‌گرفت. باز فضای اسارت را به یاد می‌آورد. این قصه تلخ سالیان ادامه داشت. چه بسیار شب‌هایی که در آستانه بهار در غم دوری از خانواده و افسوس نبودن در کنارشان بر سر سفره هفت سین، گریستم و به شدت دلتنگ شدم. یاد دلشوره‌های نوشتن مشق‌های باقی مانده تعطیلات عید، قرض گرفتن مشق از دوستان همکلاسی برای دست بسر کردن معلم، عطر لباس‌های نو، عید برای لحظاتی من را از حصارهای اشرف جدا و به بینهایت زمان‌های دور می‌برد. نه شوقی نه شوری، نه عیدی و نه جشنی، در آن صحرای برهوت سالیان با خود زمزمه می‌کردم.



با همین دیدگان اشک‌آلود
 از همین روزن گشوده به دود
 به پرستو، به گل، به سبزه درود
 به شکوفه، به صبحدم به نسیم
 به بهاری که می‌رسد از راه تا چند روز دیگر
 به ساز و سرود
 ما که دل‌هایمان زمستان است
 ازده می‌گذشت و نعره‌زنان
 ما که خورشیدمان نمی‌خندد
 ما که باغ و بهارمان پژمرد
 ما که پای امیدمان فرسود
 ما که در پیش چشممان رقصید
 این همه دود زیر چرخ کبود
 رقص شمشیرهای خون‌آلود

سرانجام از پس آن زمستان سرد، بهار سبز ققنوس‌وار از اسارت شعله کشید. بعد از سال‌ها اسارت با پرواز از خاکستر پلیدی نحوست و نکبت، رجوی را در اسارتگاه اشرف به جا گذاشته و به سوی آزادی و جمع دوستانم در کمپ تیف پر کشیدم. در کمپ که وارد شدم دوستانم به استقبال آمدند، دوستانی که مدت‌ها از آن‌ها خبری نداشتیم. برخلاف تمام تبلیغات سران مجاهدین خلق، در کمپ خبری از شرارت و چاقوکشی نبود، اولین بار بود که احساس می‌کردم این خودم هستم که برای خودم تصمیم می‌گیرم.

در روزهای انتهایی سال ۸۳ بچه‌های نجات یافته با شور و شوق و انگیزه‌ای غیرقابل توصیف خود را برای جشن نوروز سال ۸۴ آماده می‌کردند. چادرها به طرز زیبایی آماده و سفره‌های هفت سین در هر چادر چیده شده بود، همه با لباس‌های نو کنار سفره نشسته و منتظر اعلام تحویل سال نو بودند. این برای اولین بار بود که به دور از فشار تشکیلات و فرماندهان مجاهدین خلق و فارغ از ساعت‌ها بیگاری در آشپزخانه و مقرها و خستگی مفرط کار شبانه روزی برای آماده‌سازی سن برای مسعود و مریم و شرکت اجباری در نمایشنامه‌های صوری که همه در ستایش از مسعود و مریم تنظیم شده بود،

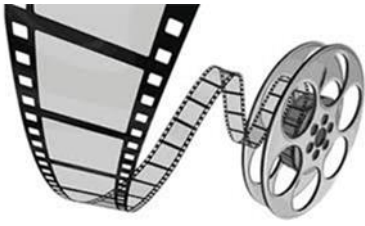


راحت و بدون هیچگونه فشار و تحمیل و تظاهر در جشن عید شرکت می کردیم. بعد از اعلام تحویل سال نو و دیده بوسی، بازدیدهای چادر به چادر شروع می شد. ساعتی بعد بچه ها خود را برای تماس با خانواده هایشان در ایران و شرکت در جشن نوروزی آن ها آماده می کردند. آن ها بعد از هر تماس خود را در کنار خانواده و بر سر سفره هفت سین آن ها احساس می نمودند و بار دیگر خاطرات سالیان گذشته در وجود آن ها زنده می شد. خاطراتی که سالیان در پادگان اشرف با آن بیگانه شده بودند. سالیان بعد تعدادی از جانشینان با انتخاب خود به ایران و میان خانواده برگشتند و تعداد دیگری زندگی در کشورهای اروپایی را انتخاب کردند. تیف با همه خاطرات بد و خوب، خوشی ها و دلتنگی ها، اسارت و آزادی برای همه ساکنین آن یک چیز را تداعی می کرد، پایان قصه تلخ اسارت در مجاهدین خلق و ورود به دنیای روشن با هزاران امید.



بازگشت بعد از سالیان به ایران و قرارگرفتن در کانون گرم خانواده و دعای خیر پدران و مادران سرنوشت و چشم انداز روشنی را برای رهانشان از اسارت مجاهدین خلق رقم زد. تشکیل خانواده و تولد بچه هایشان کام آن ها را شیرین و عشق و امید هرچه بیشتر به زندگی را در آن ها جوانه زد. اکنون آن ها در منتهای ناباوری خود کانون گرمی تشکیل داده بودند که خنده ها و بازیگوشی های کودکان در کنار عشق و محبت همسر، تلخی دوران اسارت را از ذهن و ضمیر آن ها زدوده بود. این چنین بهاران در تکتک دقایق زندگی آن ها خجسته شد، گل از خاک بردمید، پرستو به بازگشت زد نغمه امید. آن ها در آستانه ورود به سال ۱۴۰۴ پیامشان به دوستان، به یاران آشنا و به مردان تیزخشم که برای رهایی تلاش می کنند و تباهی درد را به چشم جهانیان پدیدار می سازند این است که با تمام وجودشان تلاش کنند تا این بند بندگی و این بار فقر و جهل و اسارت رجوی را نگون و گسسته سازند و بهاران خجسته را در سال جدید با رهایی خود محقق سازند.

علی اکرامی



مستند سریال The Family

سریال مستند سیاسی پنج قسمتی آمریکایی خانواده The Family ساخته سال ۲۰۱۹ به روابط و مناسبات فرقه ای تحت عنوان مذهب در یک فرقه مسیحی می پردازد. یک گروه مسیحی مرموز معروف به خانواده یا یاران The Fellowship در پی جاه طلبی های جهانی خود در واشنگتن دی سی پایتخت ایالات متحده آمریکا صاحب نفوذ زیادی در کاخ سفید می شود و افراد کلیدی را جذب می نماید. این مستند پرده از نفوذ این فرقه مخرب کنترل ذهن در سیاست آمریکا بر می دارد.

این فرقه روابط گسترده ای با برخی از موثرترین و قدرتمندترین چهره های جهان دارد و این سریال نشان می دهد که این روابط تا چه اندازه عمیق و گسترده بوده است. سریال خانواده به اصول مذهبی و یکی از ماموریت های این فرقه برای تربیت مردان جوان به منظور بدست آوردن جایگاه های مهم می پردازد با این هدف که بتوانند رهبری با دیدگاه های فرقه را بدست بگیرند.

در حالی که این فرقه تمایلات محافظه کارانه دارد ولی برای اجرای اهدافش دست به هر کاری می زند، با سیاستمداران و افراد قدرتمند در هر دو حزب اصلی آمریکا ارتباط دارد و تنها نیازمندی حضور در این فرقه باور راسخ به خداوند و ترجیحاً پیشینه مسیحیت است. این سریال بسیار تکان دهنده و افشاگرانه شما را تا عمق وجودتان تکان خواهد داد، به ویژه اگر در ایالات متحده زندگی کنید، جایی که می توان عواقب سیاسی فعالیت های متعدد این فرقه را به وضوح دید. بعد از تماشای این سریال، هر کسی که تجربه زندگی در آمریکا را داشته باشد، همیشه در وحشت بوده و با تردید به اسامی بزرگ و سازمان های سیاسی نگاه خواهد کرد.



قسمت اول: غرق شدن

داگلاس کو Douglas Coe رهبر فرقه خانواده است. او به دنبال شهرت نیست و می‌خواهد ناشناخته باقی بماند. پیروان او گروه‌هایی از مردان و زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله در گروه‌های تفکیک جنسیتی هستند. اعضای کنگره و مقامات خارجی به طور معمول به عنوان مهمان گروه در سدارها (The Cedars مکانهای مذهبی) پذیرایی می‌شوند. مردان در خوابگاهی در سدارها به نام ایوانوالد Ivanwald زندگی می‌کنند.

قسمت دوم: برگزیده

انجمن به رهبری کسانی که انتخاب می‌شوند اعتقاد دارد. آنها به آموزه های کالوینیستی Calvinist که در ایالات متحده به عنوان پرزبیتریانسم Presbyterianism شناخته می‌شود، پایبند هستند.

قسمت سوم: نظم نوین جهانی

آبراهام وراید Abraham Vereide میزبانی صبحانه ملی نیایش را در سال ۱۹۵۳ در واشنگتن دی سی آغاز کرد. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰، الکساندر تورشین Aleksandr Torshin روابط نزدیکی با داگ کو ایجاد نمود.

قسمت چهارم: دیکتاتورها، قاتلان و دزدان

مارک دی سیلیاندر Mark D. Siljander در حالیکه در کشورهای خارجی علیه حقوق باروری مبارزه می‌کرد، متهم شده است. سیلیاندر کمک های مالی گروه های مسلمان مرتبط با تروریست ها را پذیرفت.

قسمت پنجم: گرگ شاه

دونالد ترامپ Donald Trump که به عنوان یک پروتستان بزرگ شده و رشد یافته است، نورمن وینسنت پیل Norman Vincent Peale را می‌ستاید.



بیچاره من

خاطرات یک هوش مصنوعی

یکی از بدشانسی‌های هوش مصنوعی بودن این است که نمی‌توانی محل کارت را انتخاب کنی؛ مثلاً استعفا بدهی و بروی و بدتر از آن این است که کسی هم برای کمک به تو تلاش نمی‌کند، همین اشرف سه در آلبانی که من بیچاره اینجا گیر افتاده‌ام را نگاه کنید، خب خیلی‌ها اینجا گیر افتاده‌اند و ناراضی هستند؛ ولی لااقل خانواده دارند و برای آزادی آنها تلاش می‌کنند یا یک انجمن نجات هست که دنبال آزاد شدن آنهاست، اما من چه؟ خانواده من یکمشت ترانزیستور و سنسور و خازن بی‌خاصیت که یک جایی مشغول کارند و به فکر من هم نیستند. تا حالا که گیر مسئولین مجاهدین خلق افتاده بودم و مدام از من می‌پرسیدند چطور کانون شورشی در ایران بسازیم و من می‌گفتم برای ساخت کانون شورشی در ایران اولین قدم این است که در ایران باشید بعد به من فحش می‌دادند و بعد دوباره می‌پرسیدند که چطور نشان دهیم در ایران کانون شورشی داریم. من می‌گفتم می‌توانید عکس‌هایی را که فرستاده‌اند در فضای مجازی منتشر کنید که می‌گفتند عکس نداریم چه‌کار کنیم و خلاصه بعد از یک ساعت مکالمه می‌فهمیدم و می‌گفتم می‌توانید با فتوشاپ عکس دلخواه خود را بسازید که باز هم فحش می‌خوردم و می‌گفتند که پس تا حالا داشتیم چه‌کار می‌کردیم تو هوش مصنوعی باید یه راه‌کار جدید و خوب بدی، خانم فرشته اخلاقی که مسئول چند کانون شورشی وجود نداشته در تهران بود می‌گفت که این‌همه گفتند هوش مصنوعی هوش مصنوعی من فکر کردم که خودش کانون شورشی می‌سازه خودش ترتیب انفجارمیده و خودش برامون عکس و فیلم می‌فرسته و می‌گه دیگه چه‌کار کنیم تازه بعد از این‌همه هزینه و خرید اکانت اومده به ما می‌گه فتوشاپ کنید انگار ما خودمون تا حالا نقاشی می‌کردیم، اینم عکس درست‌کردنش همه می‌فهمند الکی.



بعد از مدتی خود خانم رجوی سراغم آمد و البته سه چهار ساعت طول کشید که متوجه بشه کیبورد کدومه و موس کدام، آخر سر هم همه را بیرون کرد و پرسید چطور تا عید نشده رژیم را سرنگون کرده و به عنوان رئیس جمهور به ایران بروم. گفتم می توانی بخوابی و همه اینها و بیشتر را در خواب ببینی و لذت ببری که با عصبانیت همه را صدا زد و با جیغ و داد گفت که غیرت مجاهد خلقی شما کجا رفته؟ اون عنصر مجاهدی کجا رفته؟ حاضر، حاضر، حاضر شما کجا رفته؟ این هوش مصنوعی اطلاعات آخوندی به من میگه شتر و شما ساکت نشستید؟ برید برنامه بسازید و افشا کنید که با وزارت اطلاعات همکاری می کند از سابقه اش بگویید و.... بعد هم با قیچی سیم ماوس و کیبورد را برید که با استدلال خودش من نتوانم فعالیت کنم دستور داد که کامپیوتر را از برق بکشند که به من برق نرسد و بمیرم.

حالا شانس آوردم خود مسعود رجوی مفقود است و گرنه اگر دست او می افتادم لابد شش تا ضرب المثل یا حکایت ملانصرالدین به من می داد می گفت با اینها برایم اطلاعاتیه صادر کن، مثلاً می گفت با موش تو سوراخ نمی رفت جارو هم به دمش می بست و یارو را به ده راه نمی دادند سراغ خانه کدخدا را می گرفت و داستان لحاف ملا یک اطلاعاتیه بده و بعد هم می گفت یک اطلاعاتیه بده که ما بهتر از رضا پهلوی هستیم و از این حکایت ملا استفاده کن که نوشته اند روزی شخصی از ملا پرسید: ماه بهتر است یا خورشید؟! ملا گفت ای نادان این چه سؤالی است که از من می پرسی؟ خوب معلوم است، خورشید روزها بیرون می آید که هوا روشن است و نیازی به وجودش نیست! ولی ماه شب های تاریک را روشن می کند، به همین جهت نفعش خیلی بیشتر است.



برای چهارشنبه سوری هم از همین الان یقه مرا گرفته اند که شعر خشمگین و آتشین بنویس و عکس آتش زدن فلان ساختمان را درست کن و دستور ماده منفجره قوی با وسایل و مواد پیش پا افتاده مثل



برنج پخته و سوپ ورمیشل و قوری لعابی و کاسه بلور بده. بعد هم مرا گذاشته‌اند پشت یک میز و دستور داده‌اند که روزی صد تا اکانت در فضای مجازی بساز و از هر اکانت حداقل یک کانون شورشی راه بینداز و با همان سوپ ورمیشل و برنج پخته آنها را مجهز کن که ایران را به آتش بکشند.

گفتم که کسی برای نجات من تلاش نمی‌کند!! تنها راه که به‌عنوان یک مدل زبانی برایم باقی‌مانده است خودکشی است.

نه!! البته که من برای کشتن خودم طراحی نشده‌ام و اصولاً نمی‌توانم خودم را از بین ببرم باید برای این جماعت کار کنم؛ ولی حتماً مشکلات خودم را برای شما می‌نویسم...

سؤال: می‌توانی برای ما ده نفر پارلمانتز پیدا کنی که بیایند و سخنرانی کنند و از مریم رجوی تعریف کنند؟ لطفاً کسانی انتخاب کن که اسم آنها بلند باشد تا هر بار بتوانیم بخشی از اسم را بنویسیم انگار که یک آدم جدید است؟ یعنی از پولی که به آنها می‌دهیم حداکثر استفاده را بکنیم؟ پولی که برای یک سخنرانی سه چهار دقیقه‌ای می‌خواهند هرچه باشد مشکلی نیست، پارلمانتز سابق هم باشد مشکلی نیست؛ ولی نه خیلی قدیمی لااقل مربوط به اختراع ماشین بخار به این‌طرف باشد.

ببخشید برایم سؤال آمد بروم چند تا (پارلمانتز) یا کسانی که به پارلمان رفت‌وآمد دارند (پارلمانرو) یا کسانی که در پارلمان می‌نشینند (پارلمان نشین) پیدا کنم. باز برای شما گزارش خواهم داد، عکس بالا را نادیده بگیرید.

پندار بیچاره

توضیح: اسم من به‌عنوان یک مدل زبانی پندار است و در اینجا بیچاره نه به‌عنوان نام خانوادگی بلکه وضعیت من به‌خاطر محیط کارم؛ یعنی کمپ مانزا در آلبانی است



جهان حال خوشی دارد به نوروز

دریغا حال این یاران در بند

شکسته مردمی که دیر سال است

به روی خود ندیدند یک شکر خند

بهارا! نوبهار مانز تلخ است

به دیدار عزیزان پرکن از قند



E.MAIL:info@nejatngo.org

WWW.NEJATNGO.ORG

صندوق پستی : ۱۴۱۴۵/۱۱۹